

هنر متعالی، پنجره‌ای رو به مذهب است

با آمدن ماه مبارک رمضان اغلب فعالیت‌های فرهنگی و هنری تحت تاثیر نمایشگاه بین‌المللی قرآن قرار می‌گیرد و مردم بازدید از این نمایشگاه را در زمره برنامه‌های خود می‌گنجانند.



جام جم آنلاین: با آمدن ماه مبارک رمضان اغلب فعالیت‌های فرهنگی و هنری تحت تاثیر نمایشگاه بین‌المللی قرآن قرار می‌گیرد و مردم بازدید از این نمایشگاه را در زمره برنامه‌های خود می‌گنجانند.

بخش تجسمی نوزدهمین نمایشگاه بین‌المللی قرآن با رویکردی متفاوت و با همکاری و حمایت اداره کل هنرهای تجسمی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزار و ساماندهی شده است. از این‌رو با امیر عبدالحسینی دبیر هنری این بخش و دبیر رشته پوستر بخش تجسمی به گفت‌وگو نشستیم.

عبدالحسینی پیش از هر چیز یک گرافیست است؛ طراحی که به قول خودش خواسته یک جستجوگر باشد، هنرمندی که سال‌ها در حوزه هنر دینی به پژوهش پرداخته و البته آثار درخور توجهی را در حوزه پوسترهایی با این مضمون خلق کرده است.

دبیری سومین جشنواره هنر جوان، دبیری نمایشگاه استادان بزرگ نستعلیق، دبیری نمایشگاه خیالی‌نگاران، دبیری چهارمین سوگواره پوسترهای عاشورایی، دبیری دو دوره آرت‌اکسپوی رسمی تهران، دبیر هنری سومین جشنواره بین‌المللی هنرهای تجسمی فجر و موارد بسیار دیگری در کارنامه و سابقه عبدالحسینی دیده می‌شود.

این گرافیست برجسته کشورمان، علاوه بر سوابق مدیریتی، با عنوان کارشناس و پژوهشگر هنر نیز مقالاتی را منتشر کرده است که بزودی در قالب کتابی به چاپ می‌رسد. گفت‌وگوی زیر در حاشیه نوزدهمین نمایشگاه قرآن و با موضوع کالبدشکافی هنر دینی با وی صورت گرفته است.

پیش از این‌که وارد مباحث اجرایی شویم، می‌خواهم بدانم هنر دینی چیست و چه تعریفی می‌توان برای آن ارائه کرد؟

در روزگار معاصر واژه‌هایی چون هنر دینی، هنر مذهبی، هنر معناگرا، هنر قدسی، هنر متعالی، هنر ولایی و... به دفعات مختلف استفاده و شنیده و تعاریف بسیار متعددی توسط صاحب‌نظران و استادان از آنها ارائه شده است.

در بعضی از تعاریف، خود اثر هنری مبنای ارزیابی قرار می‌گیرد و مفهوم و محتوای اثر از منظر دین و مذهب بررسی می‌شود و در برخی دیگر، اعتقاد بر این است که انگیزه و ایمان هنرمند، پدیدآورنده هنر دینی است و بر این اساس، آثار خلق شده توسط این هنرمند در زمره آثار هنر دینی قرار می‌گیرد. همچنین تعاریف و تحلیل‌های دیگری نیز وجود دارد که در کل، مقوله هنر را یک حقیقت متعالی و مقدس می‌نامند و آن را زیر مجموعه دین و مذهب قلمداد می‌کنند. گروهی دیگر نیز رسالت هنرمند را انسانی و اخلاقی می‌دانند و معتقدند هنرمند با خلق اثر راهی برای جستجوی حقیقت پدید می‌آورد. در هر حال دامنه این بحث بسیار گسترده است و به مقوله فلسفه هنر و عرفان و ادیان اختصاص دارد.

به نظر من، اغلب تعاریفی که تا به حال ارائه شده فاقد جنبه‌های کاربردی بوده و بیشتر جنبه شعارگونه داشته است. اما می‌توان تعبیر دکتر شریعتی را زیباترین و دلنشین‌ترین تمثیل هنر دینی و هنر مذهبی دانست. در این تعبیر، مذهب و دین به عنوان در ورودی به عالم غیب تعریف شده است و هنر پنجره آن. پنجره‌ای که از منظر آن می‌توان دورنمای تصویری زیبایی‌های دنیوی و اخروی را به تماشا نشست. این پنجره، آمال، آرزوها، خواسته‌ها و تمامی اندیشه‌های کمال‌گرایانه و خداجویانه انسان را به تصویر می‌کشد و روزنه‌ای ایجاد می‌کند تا با تماشای تصویر و پرواز خیال، هر آنچه در باور دینی و ضمیر مذهبی داریم را متصور شویم.

آیا در این تعریف یا به قول شما تمثیل، شاخصه‌هایی هم برای هنر دینی ارائه شده است؟

مقوله هنر يك جنبه تخصصي دارد که به خلاقیت و بداعت هنرمند و تکنیک‌های خلق اثر هنري مرتبط است و يك جنبه انساني دارد که مخاطبين و بينندگان اثر هنري را مد نظر قرار مي‌دهد. شاخصه‌هایی که در تعبیر دکتر شریعتي به آنها اشاره شده، بیشتر به حوزه‌های عرفاني و عوالم معنوي مرتبط است و این‌که هنر در هر شکل و شمایلی که ارائه شود، باید تجلي دغدغه‌های انساني باشد که از کمبودهای پیرامون خود مي‌نالند. در این مقوله، هنر نمایشگر مفاهیمی است تا پاسخی برای این دغدغه‌های آرمانی باشد. در تعبیر دکتر شریعتي یکی از مهم‌ترین کارها و ویژگی‌های هنر، ساختن و خلق کردن چیزهایی است که در این دنیا، در زندگی و در طبیعت نیست؛ ساختن تمام چیزهایی که باید باشد و انسان به داشتن و دیدن آنها محتاج است.

اما به نظرم شاخصه‌هایی که شما مد نظر دارید یا به دنبال پاسخی برای آن هستید، شاخصه‌های تصویری است تا به شکل مستقیم به لایه‌های بالایی و نمود ظاهري هنر تصویری بپردازد. چون پرداختن به لایه‌های زیرین و عمیق‌تر هنر و مذهب و پیوند ابدی و ازلی آنها در حوزه تخصص و دانش بزرگان، عرفا، فلاسفه و صاحب‌نظران است.

اما این‌که شاخصه‌های تصویری هنر دینی چه می‌تواند باشد هم مثل تعاریف و تعابیر ارائه شده آن بسیار و متنوع است.

پیکاسو، نقاش معروف قرن بیستم در یکی از گفت‌وگوهایش جمله معروفی دارد که می‌گوید جستجو در هنر هیچ معنایی ندارد، بلکه نکته اصلی در #171 یافتن است. شاید بر این اساس بتوان گفت هر شاخصه‌ای که در يك اثر هنري یافت شود که روی احساس، ادراک و تعقل تاثیر فرامادی و معنوي بگذارد يك شاخصه معنوي است.

بگذارید اشاره کوتاهی کنم به یکی از مطالبی که جورجو دکرکو نقاش معروف عصر حاضر بیان کرده است. به عقیده دکرکو هنر 2 وجه دارد. یکی وجه رایجی است که همیشه دیده می‌شود و دیگری وجه ماورایی آن است که تنها افراد اندکی در لحظات خاص قادر به دیدن و درک آن هستند. يك اثر هنري باید بتواند بیانگر چیزی باشد که در ورای ظاهر آن چیز نهفته است. اشیا، پیکره‌ها و المان‌های تصویری که در اثر هنري دیده می‌شوند باید در قالب سمبولیک از چیزهای دیگری برایمان سخن بگویند که در دنیای مادی قابلیت درک و تجربه ندارد.

سوالم اینجاست که آیا صرف استفاده از چند المان مذهبی در يك اثر، می‌تواند آن را به يك اثر مذهبی تبدیل کند.

از چند منظر می‌توان به پاسخ این سوال پرداخت. ببینید، استفاده از المان‌های مذهبی در يك اثر هنري در درجه اول فقط می‌تواند يك پیوند موضوعی برقرار کند. به عنوان مثال استفاده از المان‌های تصویری بیرق و پرچم، اسب، پنجه، کلاهخود، عناصر تصویری رایج در آیین‌های سنتی مثل تعزیه و عناصر تصویری داستان‌های تاریخی و حماسی در يك اثر هنري به نوعی بیان‌کننده موضوع است. مثلاً در آثار خلق شده با موضوع حماسه کربلا و عاشورا، تصاویر فراوانی از این دست دیده می‌شود که هنرمند، براساس المان‌های تصویری متناسب با موضوع به روایتگری تصویری حماسه پرداخته است. همچنین در نمایشگاهی مانند اسماء الحسنی، هنرمند با استفاده از حروف و کلمات و اسامی متبرک حضرت باریتعالی، نقوش تصویری ایجاد می‌کند یا از ترکیب فرم‌های نوشتاری و فرم‌های تصویری، يك اثر تجسمی موضوعی یا مناسبتی خلق می‌کند. در هر حال هر کدام از اینها به خاطر معنا و مفهومی که به طور مستقیم و بدون واسطه منتقل می‌کنند یا به خاطر بار روایتی که در تصویر منتقل می‌کنند در زمره آثار مذهبی طبقه‌بندی و ارائه می‌شوند. اما نکته اینجاست که این آثار بیشتر مانند قصه و داستان بر عنصر روایتگری تمرکز دارند یا در قالب بازآفرینی روایی يك رویداد از منظر خالق اثر تصویرگری می‌شوند یا با توجه به پیوند ذهنی هنرمند با مفاهیم مذهبی، نقوش معناگرا همراه با القای حس زیبایی‌شناسانه خلق و در تصویر ارائه می‌شوند.

عبدالحسینی: در بعضی از تعاریف، خود اثر هنري مبنای ارزیابی هنر دینی قرار می‌گیرد و مفهوم و محتوای اثر از منظر دین و مذهب بررسی می‌شود و در برخی دیگر، اعتقاد بر این است که انگیزه و ایمان هنرمند، پدیدآورنده هنر دینی است ضمن آن که هر تصویر و هر نماد بصري نیز نمی‌تواند در این میانه مطرح شود. اگر یادتان باشد سال‌های گذشته استفاده از تصاویر ضدارزشی مانند شمایل‌کشی‌های بازاری و نقاشی‌های شعارگونه و سخیف بتدریج وارد جامعه شد و داشت راهی برای خود بازمی‌کرد که از سوی هنرمندان اندیشمند بسیار نکوهش و سرزنش شد و با تاکید بر جنبه‌های دروغین، غیراخلاقی و ضدارزشی آنها، مدیران هم به جمع مخالفان پیوستند و بساط ترویج آنها تا حدی برچیده شد، اگرچه هنوز هم در گوشه و کنار، رگه‌هایی از آن دیده می‌شود. بدیهی است که پدیدآورندگان آن آثار هم با شعارها و تصاویری که ارائه کردند، آن را در حوزه آثار مذهبی قالب می‌کردند و در پوشش مذهب هم کمتر کسی به مخالفت با آنها برمی‌خاست. اما قدر مسلم آن است که آن آثار نه تنها رنگ و بویی از باطن مذهب و دین نداشت، بلکه به لحاظ ظاهري نیز سطح ذائقه و انتظار باور مخاطبان از آثار مذهبی را نیز بشدت تنزل می‌داد.

بنابراین، استفاده از المان‌های مذهبی در یک اثر، فراخور موضوع اثر و مفهومی که اثر منتقل می‌کند، در ارزشی شدن و یا ضدارزشی بودن اثر موثر است. گاهی این عناصر تصویری بر احساس و ادراک آن هنرمند و مخاطب اثر موثر است و بارقه‌هایی از معنویت را در فطرت و باور او جلوه‌گر می‌سازد و گاه هم استفاده ناآگاهانه و افراطی عناصر تصویری، آن اثر را بسان یک اثر پیش پا افتاده تنزل می‌دهد.

به دو نمایشگاه عاشورا و اسماءالحسنی اشاره کردید که فکر می‌کنم دبیری آنها را نیز به عهده داشته‌اید. سوال خود را در 2 بخش مطرح می‌کنم. یکی این‌که آیا آثار ارائه شده در این نمایشگاه در زمره هنر معناگرا قرار می‌گیرند یا خیر؟ و دیگر این‌که اصولاً برگزاری چنین نمایشگاه‌ها یا رویدادهای مشابه آن، چقدر در معرفی و ارائه آثار مذهبی موثر است؟

در زمینه نمایشگاه عاشورایی، دبیری چهارمین دوره سوگواره پوستره‌های عاشورایی را به عهده داشته‌ام. امسال در ماه محرم، ششمین دوره این نمایشگاه برگزار خواهد شد. همچنین هفتمین دوره از نمایشگاه سالانه حروف‌نگاری اسماءالحسنی در حال حاضر در خانه هنرمندان ایران برگزار شده است و بنده مفتخر بودم تا طی چند دوره با آن مجموعه همکاری داشته باشم.

همان‌گونه که در پاسخ به سوال قبل عرض کردم، اصولاً نمایشگاه‌ها و رویدادهایی از این دست که در زمره نمایشگاه‌های مناسبی قرار می‌گیرند با توجه به موضوع و محتوای آنها که به طور مستقیم به بیان تصویری و روایتگری بصری موضوعات دینی و مذهبی می‌پردازند و با عنایت به انتقال معانی و آموزه‌های دینی در بیان تصویری، در زیرمجموعه پوستره‌های مذهبی طبقه‌بندی می‌شوند، اما به نظر تأثیر آنها نیز مانند خود نمایشگاه‌ها مناسبی و مقطعی است. نمایشگاه‌هایی مانند اینها فراوان است و نهادهای متعددی - حتی در اغلب موارد به طور موازی - اقدام به برگزاری نمایشگاه‌های مناسبی و موضوعی می‌کنند.

در هر حال، هر کدام از این رویدادها با توجه به موضوع آن و براساس سیاست برگزارکننده یا نوع مدیریت هنری و اجرایی آن، نوعی از نمایشگاه موضوعی و مناسبی را ارائه می‌کند و در ورای آن می‌تواند بر ارتقای سطح ذائقه بصری مخاطبان تأثیرگذار باشد. از دیگر سو، هنرمندان هر کدام به طریقی در تلاشند تا دغدغه‌های مذهبی و اندیشه‌های دینی خود را به تصویر بکشند و شاید موضوعات ارائه شده در این رویدادها و همچنین قرار گرفتن در شرایط زمانی خاص مثل ماه محرم یا ماه مبارک رمضان، فضای مناسبی را برای خلق آثار هنری متناسب با مضامین و مفاهیم مذهبی فراهم آورد. در هر حال، این رویدادها را باید به مثابه ارج نهادن به ارزش‌های والایی دانست که ذهن و نگاه هنرمندان به تصویر کشیده است، هنرمندی که به بهانه یک مناسبت در تلاش است تا با خلق اثر، پاسخی درخور و شایسته برای باورها و دغدغه‌های مذهبی‌اش بیابد.

فکر می‌کنم این دغدغه مذهبی از دوران کهن و روزگار گذشته همراه هنرمندان مسلمان بوده است.

بله، همین‌طور است. اصولاً هنر شرقی از سویی به چند تمدن عظیم و باشکوه وابسته است و از سویی دیگر مرهون آموزه‌ها و خصلت‌های مذهبی و معنوی بوده است.

شاید بتوان گفت هنرهای معناگرا که در آموزه‌های روشنگرانه ادیان ریشه دارند، دست در دست و پا به پای تاریخ پیش آمده‌اند و تنها در هر دوره شکل و قالب عرضه آنها تغییر کرده است. شاید نقطه اوج هنر اسلامی را باید در دوران صفویه جستجو کرد و شاهکارهایی که در عرصه هنرهای سنتی و معماری اسلامی از آن دوران باقی مانده، خود مصداق بارزی است از ریشه‌های هنر دینی و هنر معناگرا. نمونه‌های فراوانی از مصادیق هنرهای معناگرا و هنرهای مذهبی در تمامی طول تاریخ وجود دارد. حتی در دوران معاصر و در جامعه امروز خودمان هنرمندانی وجود دارند که آثار بسیار ماندگار و ارزشمندی را در عرصه هنرهای معناگرا خلق و ارائه کرده‌اند. شاید طی همین چند دهه اخیر، هنر انقلاب اسلامی را بتوان یکی از موثرترین و باشکوه‌ترین هنرهای دانست که با توجه به جنبه‌های ارزشی، معنوی، مذهبی و ملی خلق شده‌اند. در این دوران تابلوهایی شاخصی وجود دارد که به عنوان آثار ماندگاری در تاریخ هنر جهان ثبت و ضبط خواهد شد.

در سوال قبلی، مطالبی در مورد نمایشگاه‌های مناسبی مطرح شد. اکنون که در ماه مبارک رمضان قرار داریم، اشاره‌ای به نمایشگاه قرآن داشته باشیم. امسال بخش تجسمی نمایشگاه با نگاهی دیگر شکل گرفته است. ارزیابی شما از این بخش چیست؟

به گمانم این اولین دوره‌ای است که ساماندهی بخش تجسمی نمایشگاه قرآن، به مرکز هنرهای تجسمی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی واگذار شده است. تا آنجا که به یاد دارم و از دوستان هنرمند و استادان هنر شنیده‌ام، رویکرد نمایشگاه قرآن در بخش تجسمی در دوره گذشته آماتوری و هنرجویی - یا اصطلاح بهتر این‌که دانش‌آموزی و مبتدی - بوده است. در این دوره، علی‌رغم زمان اندک تا برگزاری نمایشگاه، فراخوان سرعت تنظیم و سایت نیز راه‌اندازی شد. در نهایت حدود 1200 اثر در رشته‌های نقاشی، پوستر، نگارگری، خوشنویسی و سفال و سرامیک از طریق سایت ارائه و در مجموع حدود 210 اثر در بخش مسابقه توسط هیات محترم داوران انتخاب و به نمایشگاه راه پیدا کرد. غالب این آثار دارای سطح کیفی خوبی هستند و آثار راه‌یافته بیشتر به دانشجویان

رشته‌های هنری اختصاص دارد. رویکرد اصلی در این دوره این بود که مسابقه در سطح حرفه‌ای برگزار شده و سطوح دانشگاهی و دانشجویان مدنظر قرار گرفتند. همچنین در بخش دیگری از حضور استادان صاحب نام و هنرمندان برجسته بهره‌مند شدیم تا زمینه برای الگوسازی شایسته دوره‌های آینده آن فراهم آید. در مجموع حدود 350 اثر در 2 بخش رقابتی و مدعوین به نمایش گذاشته شد.

ادعای بیهوده‌ای نیست اگر بگوییم کیفیت آثار ارائه شده در این دوره از قابلیت‌های بالاتری نسبت به دوره‌های گذشته برخوردار است. همچنین در بخش کارگاه‌های عملی نیز تلاش بر این بوده که رویکرد حرفه‌ای مد نظر قرار گیرد و از همین رو از حضور استادان دانشگاهی برای ساماندهی و نظارت بر کارگاه‌ها بهره گرفته شده است. اما در هر حال، باز هم معتقدم کل ماجرا فقط جنبه نمایشگاهی صرف دارد و با ایده‌آل و استاندارد که از يك نمایشگاه بین‌المللی انتظار می‌رود، فاصله زیادی دارد. در هر حال شاید بتوان گفت بضاعت فعلی در همین حد و اندازه است.

مهدی نورعلیشاهی
گروه فرهنگ و هنر